

الإستثناء :

تعريف : عبارت است از خارج شدن اسمي از حكم كلي كه بعد از ادات إستثناء مي آيد

اركان استثناء :

(الف) - مُسْتَنْثِي : مستثنی اسم منصوبي است كه بعد از حرف استثناء مي آيد .

مانند: قَامَ الْقَوْمُ إِلَّا عَلِيًّا (مُسْتَنْثِي وَ مَنْصُوب)

(ب) - مُسْتَنْثِي مِنْهُ [1]: اسم معرفه و جمعي است كه قبل از حرف استثناء مي آيد .

مانند: قَامَ الْقَوْمُ إِلَّا عَلِيًّا ، خَرَجَ التَّلَامِيذُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ إِلَّا عَلِيًّا

نکته : مستثنی منه جزء نقش محسوب نمي شود .

(ج) - ادات استثناء : إِلَّا ، غَيْرِ ، سِوَى ، خَلَا ، عَدَا و حَاشَا

مانند: قَامَ الْقَوْمُ إِلَّا عَلِيًّا

اقسام (إستثناء : ۱) - مُسْتَنْثِي تام : { الف } - مُتَّصِلٌ بـ { ۲ } - مُفْرَغ

(الف) - مُتَّصِلٌ : آن است كه مستثنی و مستثنی مِنْهُ از يك جنس باشند .

مانند: جَاءَ التَّلَامِيذُ إِلَّا مُحَمَّدًا

(ب) - مُنْقَطِعٌ : آن است كه مستثنی و مستثنی مِنْهُ از يك جنس نباشند .

مانند: جَاءَ التَّلَامِيذُ إِلَّا كِتَابَهُمْ

نکته: در عبارت هاي مثبتی كه یکی از كلمات { بعض ، جميع ، كُلِّ ، واحد ، واحدة ، أحد } نوع مُسْتَنْثِي از نوع تام است و غير مُفْرَغ .

مانند : كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

(۲) - مُفْرَغٌ : آن است كه مستثنی مِنْهُ آن مَحْذُوف است و منفي يا سؤالي مي باشد .

مانند: مَا جَاءَ إِلَّا أَحْمَدُ مَا رَأَيْتُ إِلَّا أَحْمَدَ مَا سَمَّتُ إِلَّا بَعِيًّا

مستثنی و مرفوع مستثنی و منصوب مستثنی و مجرور

نکته:

در إستثناء مُفْرَغ جمله ي قبل از إنا دارای شرائط زیر است :

(۱) - منفي است . [ما ، لا ، لم ، لَمَّا ، لَنْ ، لَيْسَ ، هَلْ] .

(۲) - مُسْتَنْثِي منه ندارد . (۳) - معنی جمله کامل نیست .

نکته { برای مطالعه } : مستثنی اگر متصل باشد و مثبت پس اعرابش واجب است منصوب باشد . و اگر مستثنی متصل منفي باشد جائز است که منصوب و مرفوع باشد.

مانند: ما خَرَجَ الْمُعَلَّمُونَ إِلَّا حُسَيْنٌ أَوْ حُسَيْنَ

مانند: خَرَجَ الْمُعَلَّمُونَ إِلَّا حُسَيْنَ { مستثنی متصل و منصوب }

نکته : هرگاه مستثنی منقطع بود اولاً منصوب و ثانياً مثبت می باشد. یعنی مستثنی منقطع منفي نمی شود فقط منصوب است .

هرگاه مستثنی مفرغ باشد اولاً به صورت منفي می آید ثانياً در جمله مستثنی منه وجود ندارد ثالثاً اعراب مستثنی به این صورت می باشد که فرض می کنیم که إلا در جمله وجود ندارد سپس جمله را ترکیب می کنیم اسم بعد از إلا هر نقشی داشت حرکت همان نقش را به آن کلمه می دهیم و اعراب مستثنی به دست می آید.

مانند: ما ذَهَبَ إِلَّا عَلِيٌّ (در این عبارت به فرض اینکه إلا وجود ندارد) [ما ذَهَبَ عَلِيٌّ]

عَلِيٌّ { نقش فاعل و مرفوع را دارد پس اعراب مستثنی در این عبارت مرفوع می باشد . }

مانند: ما جَاءَ إِلَّا أَحْمَدُ ما رَأَيْتُ إِلَّا أَحْمَدَ ما سَلَّمْتُ إِلَّا بَعْلِيَّ

فاعل و مرفوع مفعول و منصوب مجرور به حرف جر

*مفرغ = جمله منفي + ادوات استثناء + منصوب و مرفوع مانند: هل جزاء الإحسان إلا الإحسانُ (الإحسانُ بدون إلا نقش خبر را دارد)

کلمه ي « غير و سوي » چون دائم الإضافة هستند مُسْتَنْثِي آن مُضَافٌ إليه و مجرور است ولي خودشان همان اعرابی را می گیرند که مُسْتَنْثِي باید بگیرد . مانند : خَرَجَ التَّلَامِيذُ غَيْرَ عَلِيٍّ

فنون تست زني استثناء

الف) - اگر عبارت خالی از عوامل منفي { لَمْ ، لَمَّا ، لَا ، لَنْ ، مَا ، أَيَسَّ ، هَلْ } مُسْتَنْثِي باید منصوب { يَنْ ، بَيْنَ ، ات } باشد.

ب) - مُسْتَنْثِي منه باید به لحاظ عددي « مُتْنِي یا جمع و یا اسم جمع » باشد .

ج) - قبل از « إلا » اگر لفظ « كُلُّ » وجود داشت و جمله مثبت بود « كُلُّ » مُسْتَنْثِي منه به حساب می آید.

د) - به هنگام نبودن { فاعل ، نائب فاعل ، مفعول به ، خبر و اسم و خبر نواسخ } در جمله های منفي قبل از « إلا » دلیلی بر مفرغ بودن آن است.

ه) - اگر مُسْتَنَنِي مرفوع { اُنْ، اِنَّ، اَنَّ } بود نوع مُسْتَنَنِي حتماً مُفْرَع می باشد .

و) - در بیش تر سؤالات کنکوري از افعال متعدي ، به هنگام منفي بودن زياد استفاده مي شود که بايد به مفعول آن هم توجه کرد .

ز) - سعي کنيد که در جمله هاي منفي از لفظ اِلْتَابَه بعد ترجمه آغاز شود و با اول جمله مرتبط داده شود اگر جمله معنایش کامل بود اِسْتِثْنَاءِ كَامِل است در غير اين صورت مُسْتَنَنِي مُفْرَع است .

ح) - اگر قبل از اِلْتَا فِطْ فَعْل منفي بود يقيناً آن عبارت مُسْتَنَنِي مِنْهُ اش محذوف است ، و نوع آن مُفْرَع است .

۱) - مُسْتَنَنِي مِنْهُ معمولاً همیشه به صورت جمع يا اسم جمع و يا اسم مفرد همراه با ((كل)) مي آيد. که در اصل يکي از نقش هاي (فاعل ، مفعول به ، خبر و) دارد.